

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان/ سال پنجم/ شماره شانزدهم / زمستان ۹۳ / صفحات ۴۴-۲۷

بررسی میزان گرایش دانشجویان نسبت به فعالیتهای و نهادهای فرهنگی دانشگاه (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)*

حسین احمدی^۱

حسن احمدی ازغندی^۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی میزان گرایش دانشجویان نسبت به فعالیتهای و نهادهای فرهنگی دانشگاه و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود آن می‌باشد. این مقاله حاصل یک کار پژوهشی می‌باشد که به صورت پیمایشی و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای در بین ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ با پرسشنامه‌ای خود اجرا انجام شده است. برای روایی پرسشنامه از روایی صوری و برای پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آلفای کرونباخ سؤالات تحقیق (۰/۸۲۰) می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون‌های ANOVA و T-Test استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره میزان شناخت دانشجویان نسبت به فعالیتهای و نهادهای فرهنگی دانشگاه، در بازه (بالا ترین ۴ و پایین ترین ۱) حدود ۲.۳ نمره میزان علاقه آنها ۲.۷ و میزان شرکت آنها ۲.۳ می‌باشد. نتایج تحلیلی تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیتهای و نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه و میزان شرکت آنها در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین رابطه همبستگی و معناداری بین میزان علاقه دانشجویان و میزان شرکت آنها در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی وجود دارد.

کلید واژه: گرایش، فعالیتهای فرهنگی، نهادهای فرهنگی، دانشجویان.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۵

۱- گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران Ahmadi_h_2005@yahoo.com

۱- مقدمه

از آنجاکه در دنیای امروز دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می‌شود، لذا عدم توجه به دانشگاه و رسالت‌های آن، تبعات زیانباری می‌تواند برای جامعه داشته باشد. زیرا جوامع نوین انباشته از مسائل و مشکلات پیچیده‌ای است که دانشگاه‌ها می‌توانند در رفع و پیشگیری به میزان قابل توجه‌ای کمک کنند. از طرف دیگر نگاه گذشته به مسئولیت دانشگاه، بیشتر آموزشی بوده است اما با رشد جوامع انسانی و به ویژه بعد از انقلاب صنعتی، هرروزه نیازها و خواسته‌های بشری افزوده‌تر و مطالبات متنوع‌تر گردیده است. در خصوص قشر دانشجویی که دارای جایگاه و ویژگی‌های خاص خود در سطح جامعه است این مطالبات و نیازها پیچیده‌تر و حساس‌تر شده است. به دنبال آن انتظارات جامعه نیز از دانشگاه تغییر کرده و نقش تازه‌ای مطابق خواسته‌های جدید برای دانشگاه در کنار رسالت قبلی (انتقال علم و دانش) در نظر گرفته شده است. اما آنچه مسلم است در این تغییر و تحولات، ضرورت کارکرد دانشگاه در زمینه‌های فرهنگی پررنگ‌تر و قابل توجه‌تر گشته است. بنابراین نقشی که برای دانشجویی امروزی و ویژگی‌های وی تعریف می‌شود دستخوش این تغییرات بوده است. امروزه از دانشگاه انتظار می‌رود در رفع و کاهش نیازها و خلاءهای فرهنگی و اجتماعی همپای علم و دانش در سطح جامعه بکوشد چرا که ایفای نقش صرفاً آموزش و تربیت نیروی بازارکار را می‌توان بر عهده آموزشگاه‌های تخصصی و فنی و حرفه‌ای‌ها نیز گذاشت ولی تنها این دانشگاه‌ها هستند که مأمورند انسان‌هایی حساس به مسائلی نظیر فقر، نابرابری، آلودگی محیط زیست، دارای مسئولیت اجتماعی و متعهد به حفظ اصول و با روحیه انسانی تربیت کنند (کالینگفورد، ۲۰۰۴: ۲۴۸). همچنین برخی فعالان فرهنگی دانشگاه‌ها معتقدند که بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی دانشجویان را می‌توان با اقدامات فرهنگی پیشگیری و جلوگیری کرد.

تعریفی که برحسب موضوع بحث می‌توان از ترکیب تعاریف فرهنگ ارائه کرد عبارتست از: «مجموعه ارزش‌ها، بینش‌ها و دانش‌های (اطلاعات) یک جامعه که بر رفتار و روابط اجتماعی عمومی مردم تأثیر می‌گذارد.» این تعریف می‌تواند موضوع فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی را پوشش دهد. فعالیت‌های فرهنگی عبارتند از: فعالیت‌هایی که هدف آن تغییر، تقویت و یا توسعه ارزش‌ها، بینش‌ها و دانش‌های (اطلاعات) جامعه و در نتیجه روابط اجتماعی جامعه می‌باشد (معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

لذا برای رسیدن به این هدف در گام اول، شناخت و بررسی میزان گرایش دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین دانشگاه به عنوان سرسیستم رسمی آموزش و کانون پرورش نخبگان و برگزیدگان آتیه کشور است و فارغ‌التحصیلان گردانندگان امور مختلف دولتی و ملی

خواهند شد. لذا دانش و بینشی که این افراد در دانشگاه‌ها پیدا می‌کنند و به صورت قابلیت‌ها، توانایی‌های فنی و تخصصی، نگرش‌ها و گرایش‌ها در آنان ظاهر می‌شود عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری خوی و منش فرهنگی و سوگیری آنهاست. در حقیقت دانشگاه است که آینده علمی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را پی‌ریزی می‌کند. همچنین دانشگاه به عنوان مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی و فرهنگی مهد نوسازی اجتماع است زیرا محلی است که در آن افکار و اندیشه‌های جدید دانش و معرفت جدید تکنولوژی متحول و فرهنگی خلاق و پویا نشو و نما می‌کند (آگاه، ۱۳۴۲: ۲۴۲).

برای برنامه‌ریزی و رسیدن به اهداف فرهنگی در دانشگاه نیازمند فهم رفتارهای مخاطبان (دانشجویان) و مطالعه گرایش‌هایشان ضروری است و به منظور درک علایق و انگیزه‌ها و رغبت این گروه‌ها، باید از مطالعه گرایش‌ها آغاز نمود. به منظور پیش بینی رفتار نیز مطالعه گرایش‌هایشان اهمیت به سزایی دارد (گنجی، ۱۳۸۰)، گرایش را یک حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع می‌داند (کریمی، ۱۳۷۹)، «ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها، و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معینی، گرایش شخص نسبت به یک موضوع اجتماعی است» (آپورت، ۱۹۳۵)، گرایش را یک آمادگی فکری و احساسی می‌داند که بوسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی پاسخ‌ها (عکس‌العمل‌های) فرد نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با آنها سروکار دارد، تأثیری جهت دهنده یا پویا می‌گذارد.

تجربه ← گرایش (آمادگی فکری و احساسی) نسبت به پدیده‌ای ← عکس‌العمل (رفتار) نسبت به آن پدیده
به طور کلی گرایش از سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل می‌شود:

الف) بعد شناختی گرایش: میزان آگاهی دانشجویان از وجود، ویژگی‌ها و کارکردهای فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی.

ب) بعد احساسی گرایش: احساس علاقه یا تنفر دانشجویان نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی.

ج) بعد رفتاری گرایش: آمادگی ارزیابی، اظهارنظر و یا انجام یک عمل دانشجویان نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی.

پژوهش حاضر در مقام پاسخگویی به این سؤال است که دانشجویان چگونه گرایشی نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه دارند؟ راهکارهای موجود و متناسب برای بهبود این وضعیت چیست؟ و در این راستا به سؤالات زیر نیز پاسخ می‌دهد:

سؤال اول: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد دارای چه نوع ویژگی‌های دموگرافیکی هستند؟
سؤال دوم: میزان شناخت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد از فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی

دانشگاه در چه حد است؟

سؤال سوم: میزان علاقه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه در چه حد است؟

سؤال چهارم: میزان شرکت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه در چه حد است؟

سؤال پنجم: آیا بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال ششم: آیا بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال هفتم: آیا بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال هشتم: آیا بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال نهم: آیا بین میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال دهم: آیا بین میزان علاقه دانشجویان به نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد؟

سؤال یازدهم: چه تفاوت‌هایی بین میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک آنها وجود دارد؟

۲- مفاهیم اساسی تحقیق

۲-۱- فعالیت فرهنگی

فعالیت فرهنگی فعالیتی است که حول تولید، به کارگیری، انتقال، استفاده و مصرف معانی و نمادها و شکل دادن، تغییر و ارتقای حیات روحی و معنوی افراد شکل می‌گیرد. اگر آن را به نحو سلبی تعریف کنیم، می‌توان به فعالیت غیراقتصادی و سیاسی تعریف کرد. چنانکه در درک معمول هم چنین تلقی وجود دارد و به‌طور ضمنی فعالیت اجتماعی اختیاری را هم شامل می‌شود. این فعالیت در اشکال ناب و خلاق آن، به آفرینش و خلق آثار فرهنگی منجر می‌شود. کاری که هنرمندان، شعرا، فلاسفه، اندیشمندان و پدیدآورندگان صور مکتوب، صوتی و تصویری و ... انجام می‌دهند. اما در اشکال معمول و مرسوم آن

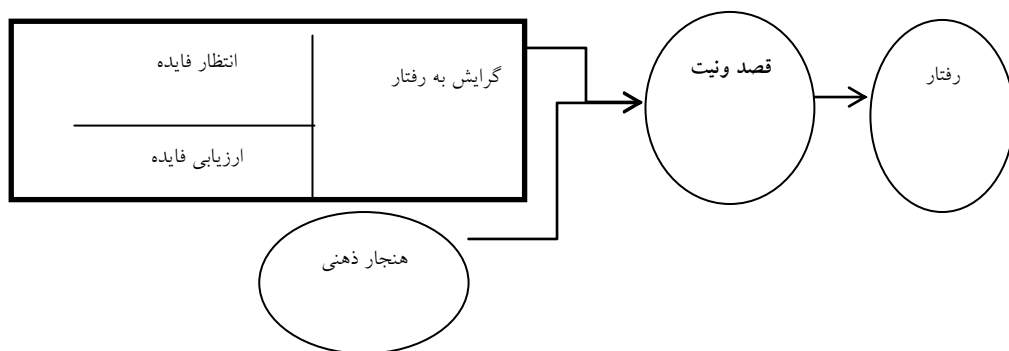
فعالیتی را شامل می‌شود و با استفاده از آن به رشد و شکوفایی وجود خود کمک می‌رساند (رجب زاده، ۱۳۷۹، ۳).

فرهنگ وسیله ارتباط انسان هاست و برای حیات بشر و سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی موضوعی ضروری و لازم است. نیازهای (فرهنگی) با توجه به نقشی که در رشد و توسعه فرهنگی و حیات یک جامعه دارند، دارای اهمیت‌اند. این نیازها تا حدود زیادی تابع ارزش‌ها و هنجارهایی است که محیط و جامعه خاصی به آنها می‌دهد. توجه به فعالیت‌های فرهنگی و ترویج آن به عنوان مسأله‌ای که ارتباط تنگاتنگ با مباحث اساسی جامعه دارد و نیز به کارگیری شیوه‌های درست اطلاع رسانی در این خصوص، موجب می‌گردد که افراد جامعه در مسیری قرار گیرند که مقصدش، رسیدن عالی‌ترین و بهترین احساساتی است که انسان‌ها به آن دست یافته‌اند و بدین ترتیب زمینه‌ساز رشد و توسعه فکری و فرهنگی افراد جامعه به ویژه جوانان خواهد شد.

توجه به فعالیت‌های فرهنگی برای بالندگی دانش فرهنگی، تقویت و فرهنگ شهروندی، دگرگونی‌های فرهنگی، همکاری‌های فرهنگی، ایجاد زیر ساختارها و شبکه‌های پیام‌رسانی فرهنگی، فراهم کردن دسترسی همگانی به اطلاعات فرهنگی، تشخیص اولویت‌های فرهنگی و سرانجام، کاهش پیامدهای سوء فرهنگی و نظایر آن ضرورت دارد (کواکس، ۱۳۷۹: ۷). در این مقاله، منظور از فعالیت‌های فرهنگی شامل فعالیت‌های (هنری، مسابقات فرهنگی، اردوهای تفریحی، مطالعه و کتابخوانی، سخنرانی و میزگرد فرهنگی، دینی و مذهبی و...) و منظور از نهادهای فرهنگی (معاونت فرهنگی، دفتر فرهنگ اسلامی دانشکده، کانون قرآن و عترت و سایر کانون‌های دایر) می‌شود.

نظریه آیزن و فیش باین در خصوص گرایش: علاقه، ناشی از نوعی گرایش است؛ یعنی در انسان ابتدا گرایش و بعد علاقه به وجود می‌آید و سپس علاقه و گرایش به عمل تبدیل می‌شود. در مطالعات اجتماعی از این نظر، به گرایش توجه بسیار شده است که پژوهشگران آن را زمینه‌ساز رفتار می‌دانند. کولتز پژوهشگر علوم ارتباطی عقیده دارد که گرایش‌ها را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسان‌ها را آماده بروز واکنش‌های رفتاری خاص می‌کند. افزون بر این، نظام‌های پیچیده تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹). مشهورترین و مهمترین نظر در زمینه گرایش توسط آیزن و فیش باین (۱۹۸۸: ۱۱۶) ارائه گردیده است. آنها در پس یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه‌ها قبل بروز رفتار، قصد و نیت به انجام یک رفتار است. به وجود آمدن قصد و نیت، به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۹).

- ۱- گرایش به سوی آن رفتار که یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار با یک پدیده را از نظر خودش ارزیابی می‌کند.
- ۲- هنجار ذهنی که نشان دهنده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است، و در تحقیق حاضر تنها تأثیر متغیر گرایش بر رفتار مورد نظر است.



میزان هر یک از دو متغیر (گرایش و هنجار) در بوجود آمدن قصد و نیت، همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. در این نظریه گرایش به نوبه خود تابع دو عامل دیگر در نظر گرفته شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۱۰)

- ۱- انتظار فایده به معنی آن که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد.
- ۲- ارزیابی فایده که طی آن شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظر او فایده دارد یا نه.
- سنجش گرایش در مورد موضوعات گوناگون پژوهشگران یاد شده را بر آن داشت تا به اقتضای موضوع و جامعه آماری مورد مطالعه، تغییراتی جزئی پیرامون گرایش در چهارچوب نظری خود بدهند. عده‌ای به ابعاد دیگری از گرایش و یا متغیرهای دیگر اشاره کرده‌اند. تزیسه و کرومکا در تحقیقی که درباره گرایش کشاورزان نسبت به اداره ترویج داشته‌اند، گرایش را به سه بعد تجزیه می‌کنند و معتقدند که گرایش در رابطه با موضوع آنها دارای سه دسته از عناصر است :

- ۱- عناصر ادراکی؛ ۲- عناصر ارزشیابانه؛ ۳- عناصر عملی و رفتاری (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۱۶)
- براساس این نظریه در بررسی حاضر عنصر ادراکی در واقع درک دانشجویان از ضرورت اطلاعات فرهنگی و هنری است که نوعی نگرش در آنها ایجاد می‌کند. عنصر عملی و رفتاری شرکت دانشجویان در برنامه‌های فرهنگی و هنری و عنصر ارزشیابانه در واقع، همان بعد ارزشیابی فایده است.

گوردن آلپورت (۱۹۷۳) در بررسی خود درباره نگرش‌ها اشاره می‌کند که نگرش می‌تواند به عنوان یک گرایش و آمادگی برای پاسخ‌گویی مطلوب یا نامطلوب نسبت به اشیاء، اشخاص، مفاهیم یا هر چیزی تلقی شود. بنای تعریف یاد شده فرض‌های مهم زیر است: (میچل، ۱۳۷۳: ۱۹۲)

۱- نگرش با رفتار رابطه دارد. شخص بر اساس نگرش خود نسبت به چیزی، این آمادگی را دارد که به گونه‌ای خاص رفتار کند؛

۲- نگرش، متغیری یک بعدی است که بستگی به احساس شخصی نسبت به یک موضوع دارد، آن احساس ناشی از الثفات، علاقه و یا کشش و جاذبه است؛

۳- نگرش؛ احساس نهفته در فرد است. پیامدهای نگرش را می‌توان مشاهده کرد لیکن خود آن قابل رؤیت نیست. در این تحقیق نگرش به صورت شرکت در برنامه‌های فرهنگی و هنری ظاهر می‌گردد؛ بر اساس نظریه‌های نیاز و انگیزش، نیاز به نیروی ذهنی اطلاق می‌شود که موجب انگیزش و سرزدن رفتار خاصی از آدم می‌گردد تا نیاز پدید آمده ارضاء شود. از دید روان‌شناسان نیاز، متغیر انگیزاننده‌ای است که باعث رفتار خاصی در فرد می‌شود (بابایی، ۱۳۷۸: ۲).

جامعه‌شناسان نیاز را با توجه به پیوستگی و ارتباط فرد با جامعه پیرامونش مطالعه می‌کنند. آنها نیاز را کمتر یک پدیده طبیعی و فطری با هدف مشخص بلکه بیشتر تلفیق شده از سوی جامعه می‌دانند. به همین دلیل دارندورف (۱۹۵۹) واژه علائق را به نیاز ترجیح می‌دهد (رفیع‌پور، ۱۳۶۴: ۱۵).

آن نظریه‌ای که بتوان در چهارچوب آن در هر شرایط زمانی و مکانی محدود نیازی خاص و عوامل مؤثر بر آن را از نظر تجربی بررسی کرد، فیلد تئوری لوین است. لوین رفتار انسانی را تابع دو دسته از عوامل، خصوصیات شخصی و خصوصیات محیط می‌داند $B=F(P,E)$ که در این فرمول $B=behavior$ (رفتار) تابعی (f) از $P=person$ (ویژگی‌های شخصی) و $E=Environment$ (محیط) است.

اهمیت فیلد تئوری در آن است که دست محققان را باز می‌گذارد تا بدون هیچ گونه محدودیت نظری، عوامل مؤثر در یک شرایط خاص را بررسی کنند. براساس این نظریه می‌توانیم نیازها را چون نوعی رفتار تابع شرایط بدانیم (رفیع‌پور، ۱۳۶۴: ۵۹). از طرفی، دارندورف در تعریف نیاز، علاقه را به نیاز ترجیح می‌دهد. بنابراین در مقاله حاضر، می‌توانیم علاقه را تابع خصوصیات فردی و محیطی بدانیم.

آگاهی فرآیند سازماندهی، تعبیر، تفسیر و ارتباط اطلاعاتی است که از سوی حواس جمع‌آوری می‌شود. آگاهی‌ها (اجتماعی - فرهنگی) هر یک به نسبت متفاوتی بر نگرش و رفتار فرد مؤثر واقع می‌شود.

۳- تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق

پایدارفر (۱۳۷۴)، تحقیق پیرامون وضعیت اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی عشایر، روستائیان و شهرنشینان در استان فارس انجام داده‌است که در این پژوهش، در زمینه ارتباطات مواردی از قبیل داشتن رادیو و استفاده از برنامه‌های خاص آن، امکان مطالعه روزنامه‌ها و میزان و چگونگی آن و دیدن فیلم در سینما را مورد بررسی قرار داده‌است. محسنی (۱۳۷۴)، به بررسی نگرش‌ها و رفتارهای (اجتماعی - فرهنگی) ساکنان مناطق شهری کشور در حوزه فرهنگ پرداخته‌اند. ابعاد مختلفی از جمله کاربرد رسانه‌ها، رسانه‌های ارتباطی، عضویت در گروه‌ها و ... گذراندن اوقات فراغت و تفریحات و ... را شامل می‌شود.

کلدی و فلاح مین باشی (۱۳۸۸)، تحقیقی تحت عنوان بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات) انجام داده‌اند. براساس نتایج این تحقیق، ارزیابی دانشجویان در خصوص کارکردهای دانشگاه در سطح نسبتاً خوب بوده‌است، به‌طوریکه بین سرمایه فرهنگی و سن، مقطع تحصیلی و نیز رشته تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری نشان داده می‌شود. همچنین بین تعالی معنوی و سن و رشته تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود دارد. توحیدلو (۱۳۸۷)، هدف کلی پژوهش، دستیابی به زوایای مختلف وضعیت فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. در این تحقیق متغیر وضعیت دینی و مذهبی، گرایش‌های سیاسی و وضعیت اجتماعی به عنوان شاخص‌های وضعیت فرهنگی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد استادان بیشترین مشارکت سیاسی، اجتماعی و دینی و در نتیجه بالاترین وضعیت فرهنگی را دارند. در مقایسه مشارکت مردان و زنان، مردها در مشارکت سیاسی و زن‌ها در مشارکت اجتماعی درصد بالاتر را به خود اختصاص داده‌اند. اما، مقایسه مجموع عامل‌ها نشانگر تفاوت معنادار نیست.

رجالی، مستأجران و معمارزاده (۱۳۸۹)، به بررسی فعالیت‌های فرهنگی - تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پرداخته‌اند. استفاده از کتابخانه در میان این فعالیت‌ها رتبه بالاتری داشت. دانشجویان نیاز به اردوهای یک روزه، برنامه‌های ورزشی و تفریحی، آموزش قرآن و نمایش فیلم را جزء ضرورت‌های خود دانستند. حدود ۸۲.۳ درصد از دانشجویان با شعایر مذهبی و اجرای آن موافق بودند. درصد زیادی از دانشجویان از وجود اکثر خدمات رفاهی نظیر وام تحصیلی و مشاوره روانی بی اطلاع بودند. اولویت نیاز دانشجویان برای آموزش گرفتن مواردی نظیر روش‌های جستجوی مقالات، استفاده مناسب از کامپیوتر، نقش استادان راهنما در حل مشکلات آموزشی و کسب مهارت‌های لازم در پر کردن اوقات فراغت آنها بود.

ادیبی و همکاران (۱۳۸۶)، تحلیلی بر عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان نسبت به تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه (مطالعه موردی: سنجش گرایش دانشجویان دانشگاه مشهد) داشته‌اند. آزمون فرضیات تحقیق، نتایج زیر را نشان می‌دهد: بین گرایش دانشجویان تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی و ارزیابی از فایده آنها رابطه معناداری موجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین آنها ۰.۷۵۷ بدست آمد. بین گرایش دانشجویان به تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی و پیروی از دیگران مهم، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین آنها ۰.۷۸۳ بدست آمد. بین گرایش دانشجویان نسبت به تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه و برونگرایی آنها، رابطه معنادار وجود دارد و ضریب همبستگی بین آنها ۰.۷۹۰ بدست آمد. بین جنس و گرایش دانشجویان نسبت به تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه رابطه معناداری وجود داشت.

نیک‌کار و همکاران (۱۳۸۴)، تحقیقی که به منظور بررسی گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر میزان علاقه، آگاهی و شرکت آنها در این برنامه‌ها صورت گرفته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان علاقه دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری نسبتاً زیاد است. این افراد ضرورت برنامه‌های فرهنگی و هنری را در حد نسبتاً زیادی حس می‌کنند اما میزان آگاهی آنان از این برنامه‌ها بسیار ناچیز است. نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین سه متغیر علاقه، احساس نیاز به کسب اطلاع و آگاهی با میزان شرکت آنها رابطه مستقیم وجود دارد و آگاهی بیشترین رابطه را با شرکت دارد. به علاوه علاقه-مندی در میان زنان، افراد مجرد و غیر شاغل، ساکنین شهرهای بزرگ، افرادی که پدر و مادر آنها از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند، کسانی که وضع درآمدی بهتری دارند و نیز دانشجویان مقطع کارشناسی و دانشجویان گروه آموزشی هنر و معماری بیشتر است.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایشی و از نظر زمانی مقطعی است و از نوع مطالعات پهنانگر و کاربردی محسوب می‌شود که ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل "کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ می‌باشد". دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در حال حاضر دارای دانشکده‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم پزشکی، حقوق و علوم سیاسی، حسابداری و مدیریت، الهیات و معارف اسلامی، هنر و معماری، پیراپزشکی و مجتمع آموزشی گلپه‌ار با ۲۵۰۹۹ دانشجو می‌باشد.

حجم نمونه تحقیق از طریق فرمول کوکران که بر این اساس حجم نمونه متناسب با جامعه آماری ۳۵۰ نفر انتخاب گردیده است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای محاسبه شده است.

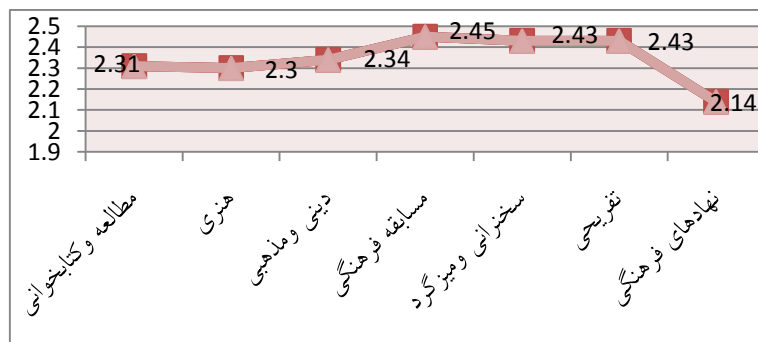
ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. در این تحقیق از روایی محتوایی^۱ استفاده شد. برای پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مهمترین روش برای مقیاس‌های رتبه‌ای (ترتیبی) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ سؤالات (۰/۸۲۳) می‌باشد. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق و ارتباط آنها با شاخص‌های دموگرافیک از آزمون پیرسون و برای تعیین رابطه بین دو متغیر، آزمون T برای مقایسه دو نمونه مستقل، آزمون ANOVA (تحلیل واریانس یک طرفه) برای مقایسه چند نمونه مستقل، با توجه به مشخصات فردی استفاده شده است. تمام تجزیه و تحلیل‌های آماری هم از طریق نرم افزار SPSS، انجام گرفت.

۵- نتایج یافته‌های تحقیق

حدود ۴۹ درصد پاسخگویان تحقیق را زن و حدود ۵۱ درصد مرد می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۳ سال می‌باشد. در نمونه مورد بررسی حدود ۷۷ درصد پاسخگویان مجرد و حدود ۲۳ درصد متأهل می‌باشند. ۸۰۶ درصد در دانشکده الهیات، ۱۳۰۴ درصد در دانشکده حسابداری و مدیریت، ۲۵۰۴ درصد در دانشکده فنی و مهندسی، ۱۱۰۴ درصد در دانشکده معماری و هنر، ۱۰۰۶ درصد در دانشکده علوم پایه، ۱۰۰۹ درصد در دانشکده پزشکی و علوم پزشکی، ۱۱۰۱ درصد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و ۸۰۶ درصد در مجتمع آموزشی گلبهار مشغول به تحصیل می‌باشند. ۸۰۶ درصد در سال اول، ۴۰۰۶ درصد در سال دوم، ۲۸۰۶ درصد در سال سوم، ۱۳۰۴ درصد در سال چهارم، ۲۰۰۶ درصد در سال پنجم و ۶۰۰۳ درصد در سال ششم و بیشتر مشغول به تحصیل هستند. ۱۱۰۴ درصد در مقطع کاردانی، ۶۰۰۴ درصد در مقطع کارشناسی، ۱۸۰۰۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۶۰۰۰۶ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند.

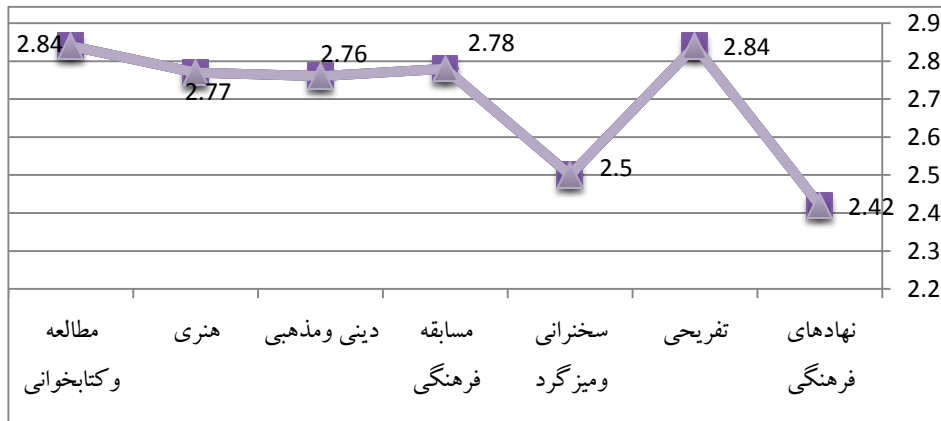
۶- توصیف متغیرهای تحقیق

میزان شناخت: ۱۲۰۹ درصد دانشجویان نمره میزان شناخت آنها نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه هیچ، ۴۹۰۱ درصد نمره آنها کم، ۳۶۰۰۰ درصد نمره آنها متوسط و ۲۰۰۰۰ درصد نمره آنها زیاد است.



آماره های توصیفی مربوط به مقایسه میانگین‌ها میزان شناخت از فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در بازه (۱-۴) میانگین نمره میزان شناخت دانشجویان نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه، در بازه (بالاترین ۴ و پایین ترین ۱) حدود ۲.۳ در حد کم می‌باشد. بر این اساس نمره میانگین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌های دینی و مذهبی ۲.۳۴، فعالیت‌های مطالعه و کتابخوانی ۲.۳۱، فعالیت‌های هنری ۲.۳۰، فعالیت‌های تفریحی ۲.۳۴، مسابقات فرهنگی ۲.۴۵، سخنرانی و میزگرد ۲.۴۳، نهادهای فرهنگی ۲.۱۴ می‌باشد. با مقایسه فعالیت‌های فرهنگی ملاحظه می‌شود که بیشترین نمره میانگین میزان شناخت را دانشجویان از مسابقات فرهنگی و کمترین نمره میانگین میزان شناخت را نسبت به نهادهای فرهنگی دارند.

میزان علاقه: ۲.۶ درصد دانشجویان میزان علاقه آنها نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه هیچ، ۳۴ درصد نمره آنها کم، ۵۸.۹ درصد نمره آنها متوسط و ۴.۶ درصد نمره آنها زیاد است. میانگین نمره میزان علاقه دانشجویان نسبت به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه، در بازه (۱-۴) حدود ۲.۷ در حد متوسط می‌باشد. بر این اساس نمره میانگین میزان علاقه دانشجویان از فعالیت‌های دینی و مذهبی ۲.۷۶، فعالیت‌های مطالعه و کتابخوانی ۲.۸۴، فعالیت‌های هنری ۲.۷۷، فعالیت‌های تفریحی ۲.۸۴، مسابقات فرهنگی ۲.۷۸، سخنرانی و میزگرد ۲.۵۰، نهادهای فرهنگی ۲.۴۲ می‌باشد. با مقایسه فعالیت‌های فرهنگی ملاحظه می‌شود که بیشترین نمره میانگین میزان علاقه دانشجویان به اردوهای تفریحی و فرهنگی و مطالعه و کتابخوانی فرهنگی و کمترین نمره میانگین میزان علاقه نسبت به نهادهای فرهنگی دارند.



آماره های توصیفی مربوط به مقایسه میانگین‌ها میزان علاقه به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در بازه (۴-۱) میزان شرکت: ۷.۷ درصد نمره میزان شرکت آنها در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه هیچ، ۵۸.۶ درصد نمره آنها کم، ۳۳.۱ درصد نمره آنها متوسط و ۰.۶ درصد نمره آنها در فعالیت‌ها و زیاد است. میانگین نمره میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه، در حدود ۲.۳ در حد کم می‌باشد. بر این اساس نمره میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های دینی و مذهبی ۲.۴۹، فعالیت‌های مطالعه و کتابخوانی ۲.۴۶، فعالیت‌های هنری ۲.۳۵، فعالیت‌های تفریحی ۲.۳۵، مسابقات فرهنگی ۲.۴۲، سخنرانی و میزگرد ۲.۱۷، نهادهای فرهنگی ۲ می‌باشد. با مقایسه فعالیت‌های فرهنگی ملاحظه می‌شود که بیشترین نمره میانگین میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های دینی و مذهبی و کمترین نمره میانگین میزان شرکت در نهادهای فرهنگی می‌باشد.

۷- تحلیل متغیرهای تحقیق

ضریب همبستگی	P-value	حجم نمونه	نتایج آزمون فرضیات
۰.۵۷۱	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها به این فعالیت‌ها رابطه وجود دارد.
۰.۵۱۴	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها به این نهادها رابطه وجود دارد.
۰.۶۷۱	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها در این فعالیت‌ها رابطه وجود دارد.
۰.۶۰۶	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها در این نهادها رابطه وجود دارد.

۰.۵۸۸	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها در این فعالیت‌ها رابطه وجود دارد.
۰.۵۱۶	۰.۰۰۰	۳۵۰	بین میزان علاقه دانشجویان به نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها در این نهادها رابطه وجود دارد.

بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌های فرهنگی، میزان علاقه آنها به فعالیت‌های فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۵۷۱ همبستگی بین دو متغیر نسبتاً قوی محسوب می‌شود. بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان علاقه آنها رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی، میزان علاقه آنها به نهادهای فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۵۱۴ همبستگی بین دو متغیر متوسط محسوب می‌شود. بین میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌های فرهنگی، میزان شرکت آنها در فعالیت‌های فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۶۷۱ همبستگی بین دو متغیر قوی محسوب می‌شود. بین میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان شناخت دانشجویان از نهادهای فرهنگی، میزان شرکت آنها در نهادهای فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۶۰۶ همبستگی بین دو متغیر نسبتاً قوی محسوب می‌شود. بین میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌های فرهنگی، میزان شرکت آنها در فعالیت‌های فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۵۸۸ همبستگی بین دو متغیر نسبتاً قوی محسوب می‌شود. بین میزان علاقه دانشجویان به نهادهای فرهنگی دانشگاه و میزان شرکت آنها در نهادهای فرهنگی بیشتر می‌شود. با توجه به شدت همبستگی ۰.۵۱۶ همبستگی بین دو متغیر متوسط محسوب می‌شود.

چه تفاوت‌هایی بین میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک آنها وجود دارد؟

در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون T متغیرهای میزان شناخت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد زن و مرد به ترتیب برابر با ۰/۰۷۷ و ۰/۱۲۴ و بزرگتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ می‌باشند و در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شناخت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد زن و مرد تفاوت معنی-

داری دارد. اما سطح معنی‌داری متغیر میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد زن و مرد برابر با 0.000 و کوچکتر از سطح معناداری $\alpha = 0.05$ می‌باشد. می‌توان گفت میانگین نمرات میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد زن و مرد تفاوت معنی‌داری دارد.

در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون T متغیرهای میزان شرکت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد مجرد و متأهل به ترتیب برابر با 0.450 و 0.566 و بزرگتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ هستند. در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شرکت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری دارد. اما سطح معنی‌داری متغیر میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد مجرد و متأهل برابر با 0.040 و کوچکتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ می‌باشد. در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شناخت دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در گروه افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری دارد.

در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون anova متغیرهای میزان شرکت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سنی به ترتیب برابر با 0.493 و 0.280 و بزرگتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ هستند. در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شرکت و میزان علاقه دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سنی تفاوت معنی‌داری دارد. اما سطح معنی‌داری متغیر میزان شناخت دانشجویان از فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سنی برابر با 0.023 و کوچکتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ می‌باشد. در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شناخت دانشجویان به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سنی تفاوت معنی‌داری دارد.

در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون anova متغیرهای میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف مقاطع تحصیلی به ترتیب برابر با 0.308 و 0.791 و 0.803 بزرگتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ هستند. در نتیجه نمی‌توان گفت میانگین نمرات میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف مقاطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری دارد.

در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون anova متغیرهای میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سال تحصیلی به ترتیب برابر با 0.308 و 0.791 و 0.803 بزرگتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ هستند. در نتیجه نمی‌توان

گفت میانگین نمرات میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سال تحصیلی تفاوت معنی‌داری دارد. در مقایسه صورت گرفته براساس محاسبات از طریق آزمون *anova* متغیرهای میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی در دانشکده مختلف به ترتیب برابر با $0.000/0$ و $0.050/0$ و $0.050/0$ کوچکتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ هستند. در نتیجه می‌توان گفت میانگین نمرات میزان شناخت، میزان علاقه و میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی در رده‌های مختلف سال تحصیلی تفاوت معنی‌داری دارد.

۸- راهکارها و پیشنهادات

دانشگاه نقش بسیار مهمی در تقویت حوزه فرهنگی بر عهده دارد. به عقیده دلانته نقش دانشگاه این نیست که رهبری معنوی، فرهنگی یا سیاسی جامعه را بر عهده بگیرد بلکه وظیفه دارد مجاری ارتباط در جامعه را بگشاید. دانشگاه به عوض آن که جایی برای اجماع کردن باشد باید در جهت تقویت حوزه فرهنگی عمل کند (دلانته، ۲۰۰۲: ۷).

در مجموع نتایج حاصله خود بیانگر آن است که گرایش دانشجویان در فعالیتهای و نهادهای فرهنگی به عنوان یک مسأله باید مورد توجه قرار گیرد چرا که با توجه به سیالیت دانشجویان و ویژگی‌های سنی آنها توجه به این مسأله شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و اهمیت بیشتری می‌یابد. به شکل عام می‌توان تصور کرد که به طور متوسط در هر چهار سال بخش عمده‌ای از دانشجویان تغییر می‌کنند و افراد دیگری جایگزین می‌شوند که سلاقی و ویژگی‌های خاص خود و متفاوت با پیشینیان را دارند. همچنین جوان بودن دانشجویان، آنان را در زمره‌ی گروه‌هائی قرار می‌دهد که پذیرش سریعی از تحولات و نوآوری‌ها دارند و بیشتر و سریع‌تر در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند. این بدان معناست که برنامه و طرح‌های فرهنگی دانشگاه‌ها بسیار بیشتر از وضعیت فعلی باید مورد توجه متولیان این امر قرار گیرد باید مدام بازپرداخت شوند و نوآوری بر مبنای واقعیت شرط کلیدی این امر است.

چرا که در کنار موضوع فوق باید متوجه این نکته بود که تحولات سریع و گسترده‌ی جهان امروز، تمام مرزها و زوایای جوامع انسانی را درنوردیده است. سازمان‌ها و نهادها، ایده‌ها، اندیشه‌ها و به‌طور کلی نظریه‌ها و الگوها، همه در روند تحول، تجدید، ترمیم و تکمیل قرار گرفته‌اند. این تحول، به صورت مستمر در جریان است و نسل جوان بیشتر از سایر اقشار اجتماعی با این تغییرات روبروست و احتمالاً زودتر از سایر گروه‌ها پذیرای این تغییرات است. این موضوع بدین معناست که نه تنها دانشجویان به شکل مداوم تغییر پیدا می‌کنند و دانشجویان جدید به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند، خود دانشجویان نیز به طور

عام در معرض تغییرات هستند. از سوی دیگر دانشگاه تا دهه شصت و هفتاد عمدتاً نهادی در خدمت دولت‌ها و تامین دانش فنی مورد نیازها آنها بود، اگرچه جریان های فکری منتقد و مخالف هم در آن رشد می کرد؛ اما از آن زمان به بعد تا روزگار کنونی، دانشگاه پایگاهی برای گسترش دموکراسی، حقوق بشر و مفاهیمی مانند عدالت، خوشبختی، برابری و رهایی شده است.

حال جای این سؤال باقی است که وقتی دانشجویان در دانشگاه ها نتوانند از نظر فرهنگی ارتقاء پیدا کنند و به نیازها و خلاءهای فرهنگی یشان در دانشگاه‌ها پاسخ داده نشود در کدام بستر و نهاد می‌توان انتظار افزایش حس مشارکت جویی، قانون پذیری، اعتماد به نفس، مسئولیت پذیری، تعالی معنوی و آگاهی و اطلاعات و سرمایه فرهنگی را به عنوان شهروند حرفه‌ای داشت؟ لذا وقتی قشر دانشگاهی ما که جزو قشر فرهیخته و تأثیرگذار جامعه است به بلوغ فرهنگی نرسد نمی‌توان انجام رسالت امروزی را از دانشجو به عنوان قشر فرهیخته جامعه انتظار داشت و بالتبع وضعیت مناسب فرهنگی فعال و خلاق را از جامعه نمی‌توان متصور بود.

داده‌های موجود این امکان را برای ما فراهم می‌کند وضعیت فعلی فرهنگی دانشگاه ها را از نگاه دانشجویان بررسی کنیم. به عبارتی، اگرچه نمی‌توانیم میزان تحقق یافتن کلیه کارکردهای فرهنگی نهاد دانشگاه را با جزئیات به دست آوریم، ولی این داده‌ها، بررسی نوع گرایش دانشجویان را در خصوص عملکرد فرهنگی دانشگاه‌ها امکان پذیر می‌سازند و به همین اندازه نیز می‌تواند در نتایج آشکار شود. ما در این تحقیق به هفت حوزه کاری فرهنگ در دانشگاه اشاره و آن‌ها را مورد واکاوی قرار داده ایم، براساس داده های موجود، دانشجویان گرایش مثبتی در خصوص فعالیتها و نهادهای فرهنگی دانشگاه ندارد، به طوری که میانگین ارزیابی های آنها در حد نسبتاً کم می‌باشد.

در یافته‌های تحقیق مشخص شد که میزان اطلاع یا شناخت دانشجویان از انواع فعالیتهای فرهنگی و همچنین نهادهای فرهنگی مستقر در دانشگاه کم می‌باشد و این شناخت تأثیر بسیار زیادی در میزان علاقه و شرکت آنها به فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه دارد. همچنین در نتایج پیداست که دانشجویان به برخی حوزه های فرهنگی از جمله حوزه های هنری، تفریحی و مسابقات بسیار علاقه‌مند بوده ولی از آنجائیکه شناخت و اطلاعی در این خصوص ندارند، میزان شرکت آنها پایین می‌باشد. حوزه فرهنگی در خصوص اطلاع‌رسانی باید جدی‌تر اقدام نماید. برای آگاهی بیشتر دانشجویان در این خصوص باید اقداماتی همچون توزیع بروشور، همایش‌ها، استفاده از فضای برد ساختمان دانشکده‌ها و مسابقات و ... استفاده کرد.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان شناخت و میزان علاقه دانشجویان از نهادهای فرهنگی در پایین‌ترین سطح قرار دارد و لذا شرکت دانشجویان در این نهادها به مراتب نسبت به سایر فعالیت‌های فرهنگی پایین-

تر است. لذا نهادهای فرهنگی دانشگاه همچون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، دفتر فرهنگ اسلامی در دانشکده‌ها، معاونت فرهنگی و کانون‌های قرآن و عترت باید جدی تر موضوع را پیگیری کرده و با ارایه برنامه‌های مختلف زمینه شناخت و مشارکت دانشجویان را فراهم آورند.

برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی و علمی همچون بازدید از مراکز علمی و دانشگاهی با همراهی استادان متخصص و برگزاری کارگاه‌های آموزشی فرهنگی در این دوره‌ها.

تشکیل شوراهای فرهنگی دانشجویی برای تصمیم‌گیری در مسایل کلی و کلان دانشگاه و کمک مسئولان دانشگاه در این عرصه و تشویق دانشجویان به کاندیدا شدن و عضویت در این شوراهای و یا رأی دادن به کاندیداها به منظور انس گرفتن دانشجویان به کارهای شورایی و مشارکتی.

برای افزایش مشارکت‌های دانشجویی، برای دانشجویان فعال در این زمینه امتیازات خاصی در نظر گرفته شود، مانند وام‌ها و تخفیف‌های دانشجویی و ... با این روش دانشجویان غیر فعال نیز ترغیب به فعالیت می‌شوند.

فهرست منابع

- ۱- آگاه، حمید، (۱۳۴۲)، رسالت دانشگاه در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- ادیبی، مهدی و دیگران، (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به تشکلهای و نهادهای فرهنگی دانشگاه مشهد، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱۳۸۶، شماره ۲۳.
- ۳- بابایی، محمود، (۱۳۷۸)، نیازسنجی اطلاعات، مرکز اطلاعات و مدارک علمی، تهران.
- ۴- بدار، لوک، (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، انتشارات ساوالان، تهران.
- ۵- توحیدلو، اکبر، (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن با رویکرد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، پژوهش اجتماعی، شماره ۱.
- ۶- رجالی، مه‌ری و مستاجران، مهناز و معمارزاده، زهرا و عزیز، ناهید، (۱۳۸۹)، فعالیت‌های فرهنگی-تحصیلی دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مجله تحقیقات نظام سلامت، شماره ۱.
- ۷- رجب‌زاده، احمد، (۱۳۷۹)، مصرف کالاهای فرهنگی خانوار در شهر اهواز، مؤسسه فرهنگ و هنر و ارتباطات تهران، تهران.
- ۸- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
- ۹- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۶۴)، جامعه‌شناسی روستایی و نیازهای آن، پژوهشی در ۲۲ روستای برگزیده استان یزد، شرکت سهامی انتشار، تهران.

- ۱۰- کلدی، علیرضا و فلاح‌مین باشی، فاطمه، (۱۳۸۸)، بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۸، شماره ۳.
- ۱۱- کواکس، میته و دیگران، (۱۳۷۹)، اطلاع‌رسانی و فرهنگ، به کوشش محمود نجاتی حسینی، خانه کتاب، تهران.
- ۱۲- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، تهران.
- ۱۳- میچل، ترانس آر، (۱۳۷۳)، مردم در سازمان‌ها: زمینه رفتار سازمانی، ترجمه حسین شکرکن، انتشارات رشد، تهران.
- ۱۴- نیک‌کار، ملیحه و فرزانه، فرزین و احمدی لاری، رکن الدین، (۱۳۸۴)، بررسی نگرش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر میزان علاقه، آگاهی و شرکت آنها در این برنامه‌ها، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۴۵.

- 15- Anderson, D. (2007). *Redefining Hijab: American Muslim women's standpoints on veiling*. J Appl Commun Res. 35(3):294-319.
- 16- Berkowitz, A. (1986). *Survey of social psychology*. Hilsdale, Pryden ,P. 168.
- 17- Enayat, H. & Alipou, F. & Bibikebadi, F. (2003). *The effect of social factors on female high school students in Shiraz*. Shiraz: Commission on Women's Affairs of Fars Publication.
- 18- Hosaynimanesh, M. (1992). *Islam and the veil from the perspective of divine religions*. Tehran: Imam Sad iq University.